

Qešt in Quran and its economic dimensions

Morteza Ezzati

Associate Professor of Economics, Tarbiat Modares University.
Email: mezzati@modares.ac.ir



Use your device to scan
and read the article online

Citation Morteza Ezzati. [Qešt in Quran and its economic dimensions (Persian)].
[EGHTESAD-E ISLAMI \(A Quarterly Journal on Islamic Economics\)](#).
2024; 24 (94): 43-78

 [10.22034/iec.2024.2029746.2755](https://doi.org/10.22034/iec.2024.2029746.2755)

Received: 20 August 2024 , Accepted: 28 August 2024

Abstract

Justice is one of the great ideals of humanity, Qešt is one of the words that have many common meanings with justice and it is used more than justice in the Quran. Some have equated installments with justice, but others have given a different meaning to it. Some people have also called Qešt as economic justice. Nevertheless, in order to better understand the concept and meaning of Qešt in the Quran, it is appropriate to look for the meaning of Qešt in the Quran with a deeper and more methodical look to find its correct meaning. In this article, an attempt is made to achieve a more correct meaning of Qešt in the Qur'an by analyzing the semantic components of Qešt based on its coexistence relationships in the Qur'an. In this way, the meaning of installment and its economic dimensions can be better identified and other perceptions about the meaning of Qešt can also be tested. The result is that it seems that Qešt in the general sense means justice and giving the rights of others, but this right is determined and given based on the accepted criteria (Qur'anic and social visions). Mizan is a socially accepted standard, and Bayyenat is a clear Qur'anic standard. Also, based on the Qur'an, Qešt are both economic and non-economic, and in particular, 5 verses of the Qur'an use installments in determining and giving rewards in the life after death (hereafter) based on the standards set by God in revelation and in the hereafter.

Keywords: Qešt, justice, Quran, Ethics, Islamic Economics.





قسط در قرآن و ابعاد اقتصادی آن

مرتضی عزتی

دانشیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

Email: mezzati@modares.ac.ir



Citation Morteza Ezzati. [Qest in Quran and its economic dimensions (Persian)].

[EGHTESAD-E ISLAMI \(A Quarterly Journal on Islamic Economics\)](#).

2024; 24 (94): 43-78

[10.22034/iee.2024.2029746.2755](https://doi.org/10.22034/iee.2024.2029746.2755)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷

چکیده

قسط از واژه‌هایی است که مشترکات معنایی زیادی با عدالت دارد و در قرآن بیش از عدالت به کار برده شده است. برخی قسط را معادل عدالت دانسته‌اند؛ ولی برخی معنای متفاوتی برای آن قایل شده‌اند. افرادی نیز قسط را عدالت اقتصادی نامیده‌اند. با این وجود برای درک بهتر مفهوم و معنای قسط در قرآن، مناسب است با نگاهی عمیق‌تر و روشمندانه‌تر به قرآن به جست‌وجوی معنای قسط در قرآن بپردازیم تا معنای درست‌تر آن را بیابیم. این مقاله کوشش دارد با روش تحلیل مؤلفه‌های معنایی بر پایه رابطه‌های هم‌نشینی قسط در قرآن به معنای درست‌تر قسط دست یابد. از این رهگذر می‌توان معنای قسط و ابعاد اقتصادی آن را بهتر شناسایی کرد و برداشت‌های دیگر درباره معنای قسط را نیز محک زد. نتیجه اینکه به نظر می‌رسد قسط در مفهوم کلی به معنای عدالت و دادن حق دیگران است؛ ولی این حق بر پایه معیارهای پذیرفته‌شده (قرآنی و اجتماعی) تعیین و داده می‌شود. میزان، معیار پذیرفته‌شده اجتماعی است و وحی معیارهای روشن قرآنی است. همچنین بر پایه قرآن قسط هم اقتصادی و هم غیراقتصادی است و به‌ویژه اینکه ۹ آیه قرآن قسط را در موضوع اقتصادی، ۵ آیه در تعیین و دادن پاداش و مجازات در زندگی پس از مرگ و دیگر آیه‌ها در موضوع‌های دیگر به کار برده‌اند.

واژگان کلیدی

قسط، عدالت، قرآن، اخلاق، اقتصاد اسلامی.



۱. مقدمه

قسط یکی از واژه‌های بحث‌برانگیز قرآنی است که در ترجمه و تفسیرهای قرآن مترجمان و مفسران درباره آن نظرهای متفاوتی ارائه کرده‌اند. درباره ریشه واژه قسط نیز اختلاف‌هایی وجود دارد. بسیاری از مترجمان قرآن، قسط را به معنای عدالت ترجمه کرده‌اند و این دو واژه را یکسان دانسته‌اند. ولی برخی قسط را دارای تفاوت‌های معنایی مشخصی با عدالت دانسته‌اند. افزون بر این درباره مفهوم کلی قسط آیه‌های مختلف تعبیرهای متفاوتی داشته‌اند. دقت روشمند در قرآن می‌تواند بخش قابل‌توجهی از این تفاوت‌های برداشت از قرآن را برطرف و معنایی مطابق‌تر با قرآن را برای قسط روشن کند. یک نگاه روشمند به واژه قسط در قرآن می‌تواند بخشی از مشکلات معنایی را برطرف کند.

مسئله قسط

در قرآن در ۲۰ آیه ۲۳ بار از ریشه قسط و در ۲ آیه دیگر واژه قسطاس و در ۲ آیه نیز واژه قاسطون به کار رفته است که برخی این دو واژه را از ریشه قسط و برخی از ریشه دیگری می‌دانند. صرف نظر از این اختلاف، درباره معنای قسط نیز اختلاف زیادی میان صاحب‌نظران وجود دارد. بیشتر مترجمان و مفسران قرآن آن را عدالت دانسته و هم‌معنای اصلی عدل گرفته‌اند.^۱ برخی آن را عدالت اقتصادی پنداشته‌اند و برخی نیز عدالت اجتماعی دانسته‌اند. با این وجود به نظر می‌رسد تأمل در قرآن می‌بایست روشن کند که مفهوم درست‌تر قسط چیست؟ شاید علت این تفاوت‌ها در برداشت از معنای قسط، کم‌توجهی به برخی نکات بایسته در زمینه معناشناسی قرآنی باشد. خطای برداشت از قرآن می‌تواند موجب خطای در رفتار و کردار دینی شود؛

۱. برای نمونه به تفسیرها و ترجمه‌های المیزان، فرقان، طبری، الهی قمشه‌ای، آیتی، پاینده، ابراهیمی، انصاری، ارفع و دیگر زیرآیه‌های ۴۷ انبیا، ۸۵ هود، ۹ رحمن، ۴ و ۴۷ و ۵۴ یونس، ۸ و ۴۲ مائده، ۱۸ و ۲۱ آل عمران، ۱۵۲ انعام، ۲۹ اعراف، ۲۵ حدید، ۸ ممتحنه، ۳ و ۱۲۷ و ۱۳۵ نساء، ۹ حجرات، ۵ احزاب، ۲۸۲ بقره مراجعه شود.

از این رو برداشت درست از قرآن می‌تواند موجب کاهش برخی رفتارهای نادرست به نام دین شود. این بررسی در پی آن است با تعمق روشمند به معنای قسط در قرآن برسد. بررسی با این روش و استخراج ابعاد معنایی اقتصادی و غیراقتصادی قسط در قرآن، نوآوری ویژه این نوشتار است. چارچوب این نوشتار پس از مقدمه، دربرگیرنده اشاره به روش و پس از آن نگاهی به پیشینه و در ادامه تحلیل معناشناختی از مؤلفه‌های معنایی بر پایه رابطه‌های هم‌نشینی قسط در قرآن است. در پایان جمع‌بندی ارائه می‌شود.

۲. روش

معناشناسی ساختگرا از روش‌های فهم معانی قرآنی است. معناشناسی ساختگرا گونه‌ای از معناشناسی است که در چارچوب روابط معنایی به وصف و تبیین معنا می‌پردازد. می‌توان روابط معنایی را در دو سطح واژه و جمله بررسی کرد (اکبری‌راد، ۱۳۹۵، ص ۸). واژه‌های قرآنی افزون بر معنایی که از خود دارند و آن را معنای اساسی می‌نامند، معنای نسبی نیز پیدا می‌کنند که دلالت تضمینی بر معنای خاص و اسلامی دارد. در این روش از ارتباط میان واژه‌ها آیات و جمله‌ها استفاده می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ص ۱۵-۲۱، به نقل از: گلدانی و ناصح، ۱۴۰۱، ص ۴۷-۶۶).

در دامنه معناشناسی ساختگرا، روش رابطه‌ای قرار دارد. معناشناسی رابطه‌ای نگرشی است که روش تبیین روابط ساختاری میان واژه‌های مرتبط با یکدیگر را معلوم می‌کند و به واژگان نظری‌ای محدود می‌شود که در این تبیین دخیل‌اند (گیرتس، ۱۳۹۵، ص ۱۳۲). از دیدگاه لاینز می‌توان مفهوم واژه را از راه روابط مفهومی آن کشف کرد (گیرتس، ۱۳۹۵، ص ۱۸۵، به نقل از: سیدخراسانی و فتحی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۳-۱۳۵).

رابطه هم‌نشینی که از نشانه‌های زبانی است، به ترکیب کلمات در جمله می‌پردازد. به نسبت کلماتی که در همسایگی یک کلمه قرار گرفته‌اند، رابطه

هم‌نشینی می‌گویند (افراشی، ۱۳۷۷، ص ۳۱۹) که از عوامل مؤثر در تولید معنا هستند (چندلر، ۱۳۹۴، ص ۱۳۳، به نقل از: فلاح، ۱۴۰۱، ص ۲۶۷ - ۲۸۹). در بررسی حاضر، روش بررسی مؤلفه‌های معنایی قسط بر پایه روابط هم‌نشینی آن در قرآن به کار می‌رود. مبنای این روش آن است که معنای هر واژه از مؤلفه‌هایی ترکیب شده است که می‌توان آنها را از تحلیل مؤلفه‌ای بازیافت (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۷). بر این پایه در بررسی حاضر، مؤلفه‌های معنایی قسط از مسیر هم‌نشینی‌ها شناسایی می‌شود. سپس تحلیل معنایی این واژه در قرآن در ۴ بخش انجام می‌شود.

- معنا؛
- کارکردها و کاربرد؛
- هم‌نشینی‌های دیگر؛
- نکته‌های ویژه.

سپس به تحلیل تفاوت برداشت‌های دیگر با برداشت این بررسی و علت‌های این تفاوت‌ها اشاره خواهد شد تا زمینه بهتری برای جمع‌بندی فراهم شود.

۳. پیشینه پژوهش

نخست اشاره‌ای به واژه‌شناسی سپس مروری بر بررسی‌های قسط در قرآن می‌شود:

الف) واژه‌شناسی قسط

ابن منظور (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۷۷) قسط را عدل و حصه و نصیب و اقساط (با کسر اول) را قسمت کردن می‌داند. راغب (راغب، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۰۳) قسط را نصیب و سهم‌گذاری با عدالت می‌داند. بستانی (بستانی، ۱۳۷۹، ص ۴۴۴) معنای قَسَط را «از حق کناره‌گرفت»، «جفا پیشه کرد» و «عدالت پیشه کرد»، دانسته است. قرشی (قرشی، ۱۳۷۱،

ج ۶، ص ۵-۶) معنای قسط را - به کسر اول - «عدالت کرد» و - به فتح اول - «ستم کرد» می‌داند. همچنین می‌نویسد قسط نصیبی است که از روی عدالت باشد.

دهخدا (لغت‌نامه برخط، زیر «قسط») با استناد به منابع گوناگون به تفصیل معنای مختلف قسط را بیان می‌کند، از جمله: (با ق س) خشکی در گردن، راستی استخوان‌های ساق ستور. (با ق) عدل و داد کردن. (با ق) عدل و داد، بهره از هر چیزی، حصه و نصیب، پیمان‌ه که نیمه صاع باشد، مقدار، رزق، ترازو، کوزه، (با ق) جور و بیدادگری کردن و از حق بازگردیدن، پریشان و پراکنده نمودن چیزی، گران شدن نرخ.

قسط در فرهنگ فارسی معین (معین، ۱۳۸۸، ذیل «قسط») به معنای عدل، داد، بهره و نصیب دانسته شده است.

ب) بررسی‌های قسط در قرآن

درباره قسط در قرآن، نوشته‌های اندکی اختصاص به قسط دارند و بر قسط متمرکزند؛ ولی نوشته‌های غیرمتمرکز بیشتری وجود دارد که بخشی از آنها به قسط پرداخته‌اند. یکی از علت‌های اصلی محدودبودن بررسی‌های مستقل درباره قسط آن است که بیشتر، قسط را برابر عدالت دانسته و در بررسی عدالت گنجانده‌اند. برخی بررسی‌های درباره عدالت، به قسط نیز اشاره کرده‌اند. اینها بیشتر معنای قسط را عدالت دانسته‌اند، هرچند برخی اندکی متفاوت بوده‌اند. می‌توان بررسی‌ها را در چارچوب چند دسته ارائه کرد.

یک دسته در پی استخراج معنای عدالت از قرآن بوده‌اند که به قسط نیز اشاره کرده‌اند (ر.ک: هاشمی تنکابنی، ۱۳۹۸، ص ۲۱۵-۲۴۰ / باادب برزگر و کاظمی تبار، ۱۴۰۰، ص ۱۸۷-۲۰۲ / خسروپناه و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۴۹-۷۴ / فرجی آرپناهی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۹-۲۶ / پورمولا و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱-۲۳ / امین مقدسی و افصحی، ۱۴۰۲، ص ۴۳-۶۰ /

فخرزاد، ۱۳۹۸، ص ۷-۲۸ / خوش‌فر و رحمانی، ۱۴۰۰، ص ۴۱-۵۷ / اسکی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۶۹-۸۴ / عربشاهی کیزی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۹-۱۳۲).
دسته‌ای، عدالت را بررسی و مفهوم کلی عدل و قسط در قرآن را وارد بحث خود کرده‌اند (ر.ک: نظری، ۱۳۸۳، ص ۶۵-۸۱ / حسینی، ۱۳۹۰، ص ۵-۳۰ / اخلاقی، ۱۴۰۰، ص ۸۷-۱۰۷ / یوسفی، ۱۳۸۴، ص ۲۹-۶۷ / فراهانی‌فرد، ۱۳۹۱، ص ۹۱-۱۲۲).

دسته‌ای کوشیده‌اند شاخص‌هایی برای عدالت تدوین و اندازه‌گیری کنند که به معنای عدالت و قسط در قرآن نیز اشاره کرده‌اند (ر.ک: عزتی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۵-۲۴۱ / سیدنورانی و خاندوزی، ۱۳۹۵، ص ۵۷-۸۴ / شاکری و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۵-۳۳ / خاندوزی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۵-۴۱ / عزتی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۶۱۰-۶۳۱).

بررسی‌هایی که درباره قسط و معنای ویژه آن نظر داشته‌اند، اندک‌اند. از اینها، مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۳۳۱) کاربرد واژه قسط و اقساط را موردی می‌داند که گروهی در چیزی شریک باشند. اگر نصیب و بهره هر یک به طور کامل پرداخته شود، قسط است؛ ولی اگر در میان آنها تبعیض کنند، جور است. عدالت که نقطه مقابل آن ظلم است، مفهوم گسترده‌تری دارد که هم در موارد شرکت و هم در غیر آن به کار می‌رود. در جای دیگری (همو، ۱۳۸۷، ص ۴۴۰) می‌گوید در آیه ۴ سوره یونس قسط تنها در مورد کسانی گفته شده که عمل صالح دارند و پاداش نیک دریافت می‌کنند و در مورد کیفر بدکاران مطرح نشده است. این به علت آن است که در معنای قسط نصیب و سهمیه موضوعیت دارد و مجازات و کیفر، درآمد و سهمیه محسوب نمی‌شود؛ یعنی قسط تنها متناسب پاداش نیک است نه مجازات.

قادری (قادری، ۱۳۷۶، ص ۳۴۵) می‌نویسد درباره قسط می‌توان دو پهنه را از هم جدا کرد: قسط اعتباری و قسط حقیقی. قسط اعتباری، قوانین

موضوعه و هنجارهای متعارف میان بشر است و قسط حقیقی، این همانی امر واقع با حقیقت می‌باشد؛ آن گونه که در علم خداوند ثبت و ضبط شده است. نسبت میان قسط اعتباری با حقیقی نسبت میان عموم و خصوص من وجه است.

اخوان طبسی و داوری (اخوان طبسی و داوری، ۱۳۹۷، ص ۱۰۷-۱۲۸) با مرور نظر واژه‌شناسان، این واژه را در معنای صریح خود دارای مؤلفه‌های معنایی قانون و قانون‌مداری و حق و نصیب و در معنای ضمنی حق و راستی می‌دانند و می‌نویسند در قرآن در ۴ حوزه حقوق و قوانین تنظیمی، قضاوت و دادگستری، معاملات اقتصادی و کنش‌های اجتماعی سیاسی به کار رفته است. آن دو نتیجه می‌گیرند قسط یک الگوی عدالت مبتنی بر قانون‌مداری و رعایت حقوق افراد است؛ به همین علت در قرآن در سطح نهادهای اجتماعی به کار رفته است. از همین زاویه مفهوم قسط با مفهوم عدالت در علوم انسانی نوین (درک عرفی و هم درک علمی از Justice) قابل مقایسه است؛ یعنی مطابقت با قانون، معنای اصلی این واژه را شکل می‌دهد. بنابراین معنای قسط از نظر مؤلفه‌های معنایی، مؤلفه‌های ریشه و مؤلفه‌های کاربرد بسیار نزدیک به مفهوم Justice است. با این حال در قسط قرآنی دست کم بخشی از قوانین از سوی خداوند نازل می‌شود؛ ولی در انگاره نوین عدالت، قانون‌گذار انسان است. تفاوت دیگر در اهمیت و چگونگی تحقق آن است. در قرآن قسط و عدالت بر عهده مردم است؛ ولی در علوم انسانی نوین قانون و دولت پررنگ شده‌اند.

پورمولا و همکاران (پورمولا و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱-۲۳) بیان می‌کنند کتاب‌های لغت و تفسیر، واژه قسط را نزدیک عدل می‌دانند؛ به گونه‌ای که بیشتر واژه‌شناسان آن را به عدل ترجمه کرده‌اند. برخی نیز آن را به معنای نصیب عادلانه دانسته‌اند؛ همچنین در قرآن کریم هر جا لفظ قسط یا مشتقات آن به کار رفته، هم در احادیث معصومان: و هم در کلام مفسران

به عدل تفسیر شده است و کمتر کسی به تفاوت این دو اشاره کرده است. اشتراک دو واژه قسط و عدل گسترده است؛ به گونه‌ای که بیشتر لغت‌شناسان و مفسران در تمییز این دو با ابهام روبه‌رو بوده‌اند. به نظر می‌رسد بهترین نظر، بیان ابوهلال عسکری است که می‌نویسد: قسط، صورت آشکار عدل است که نمایان می‌شود و از این جهت است که ترازو قسط نامیده می‌شود؛ زیرا قسط عدالت در وزن را به تصویر می‌کشد و انسان آن را می‌بیند، ولی عدل همیشه ظاهر نیست و بعضی از مصادیق آن پوشیده است و می‌توان گفت رابطه میان عدل و قسط از نوع عموم و خصوص مطلق است.

الهی‌زاده و همکاران می‌نویسند از مجموع کاربردهای قسط در قرآن به نظر می‌رسد قسط ناظر به سهم‌ها و حق‌هاست. این سهم‌ها و حق‌ها که موجبات قوام‌یافتگی اجتماع بشری را فراهم می‌کنند، در یک قاعده خاص و در سه بعد اقتصاد-اجتماع-سیاست، چینش شده‌اند. قرآن این قاعده کلی را المیزان نامیده است (الهی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۸۱-۱۱۴).

قاسم‌پور راوندی و همکاران می‌نویسند برخی مفسران بر این باورند که قسط در آیه ۲۵ حدید ناظر به معنای عدالت اجتماعی است و آیه در صدد بیان برقراری آن به عنوان یکی از اهداف اصیل انبیاست. ایشان نتیجه می‌گیرند این آیه به عدالت اجتماعی و بسط تفسیری واژه قسط دلالت دارد (قاسم‌پور راوندی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۳-۲۹).

بهرامی بیان می‌کند واژه قسط بیشتر با واژه عدل همراه شده و به همان معنا به کار رفته است. ولی در تفاوت این دو گفته شده است قسط درباره عدالت ظاهری و تقسیم عادلانه و نقطه مقابل آن تبعیض است (بهرامی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۳-۱۵۰). ولی عدل در موارد دیگر نیز به کار می‌رود (عسکری، ۱۴۰۰، ق، ص ۲۲۹).

اخوان‌طبسی و میرحسینی در بررسی خود نتیجه می‌گیرند درباره قسط با سه واژه متفاوت مواجه هستیم که حسب اتفاق زیر ریشه قسط آمده‌اند

(اخوان طیبسی و میرحسینی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۳-۱۳۲). ریشه قش از زبان نوستراتیک باستان در انتقال به زبان عربی، با قسط به معنای غارت کردن و قساوت به کار می‌رود که مبنای واژه قرآنی قاسطین است. در مقابل قسط در معنای عدالت از ریشه واژه یونانی دیقسطاس به معنای عدالت و قضاوت گرفته شده است. قسطاس دارای ریشه سوم و مجزا از این دو است که از ریشه واژه یونانی قُسطاس به معنای پیمان و واحد سنجش، ساخت یافته است که بیشتر مترجمان آن را به ترازو یا عدالت تعبیر کرده‌اند. اینها تنها مشترک لفظی هستند و برقراری رابطه معنایی میان آنها اشتباه است.

در یک جمع‌بندی از پیشینه می‌توان گفت برخی درباره معنای قسط بر این نظرند که قسط در جایی به کار می‌رود که گروهی در چیزی شریک باشند و اگر نصیب هر یک کامل پرداخته شود، قسط است. برداشت دیگری نیز می‌پندارد قسط درباره عدالت ظاهری و تقسیم عادلانه و نقطه مقابل آن تبعیض است. دیدگاهی بیان می‌دارد قسط تنها شامل نصیب و پاداش می‌شود و مجازات را در بر نمی‌گیرد. دیدگاه مشابهی قسط را ناظر به سهم‌ها و حق‌ها می‌داند. یک دیدگاه نزدیک به این نیز قسط را عدالت اقتصادی می‌پندارد. یک برداشت، قسط را دارای دو بعد اعتباری و حقیقی می‌داند. برداشتی رابطه میان عدل و قسط را از نوع عموم و خصوص مطلق و برداشت دیگر من وجه می‌داند. برخی قسط را به معنای عدالت اجتماعی می‌دانند. برخی هم قسط را بسیار نزدیک به مفهوم Justice می‌پندارد.

می‌بینیم برداشت‌های بسیار متفاوتی درباره قسط وجود دارد؛ ولی واقعیت این است که همه این برداشت‌ها نمی‌توانند درست باشند. برای درک بهتر درستی این برداشت‌ها به بررسی معناشناسی قسط با تمرکز بر مؤلفه‌های معنایی آن در قرآن می‌پردازیم.

۴. شناسایی هم‌نشین‌های قسط در چارچوب مؤلفه‌های معنایی آن در قرآن
 واژه قسط و مشتقات آن در قرآن ۲۳ بار و در ۲۰ آیه به کار رفته است (افزون بر این واژه‌های قسطاس و قاسطون نیز هر کدام دو بار دیگر به کار رفته‌اند که برخی ریشه اینها را قسط نمی‌دانند). بیشترین تکرار در سوره‌های یونس و نساء آمده است. از نظر موضوع نیز ۵ بار به موضوع پاداش و مجازات آخرتی و ۹ بار به موضوع اقتصاد پرداخته شده است. آیه‌های دیگر به موضوع‌های دیگر اشاره کرده‌اند. در جدول ۱ هم‌نشین‌های قسط به تفکیک آیه‌های قرآن در قالب ۱۰ مؤلفه قابل تقسیم بر ۱۴ مؤلفه استخراج و ارائه شده است. این آیه‌ها (جز ۴ آیه قسطاس و قاسطون که در پایان آورده شده‌اند) به ترتیب زمان نزول ارائه شده‌اند. در ادامه به تحلیل این مؤلفه‌ها در ۴ بخش یادشده می‌پردازیم.

جدول ۱. آیه‌های قسط در قرآن

متن آیه										سوره آیه
ابعاد اقتصادی	ابعاد غیر اقتصادی	دیگر هم‌نشین‌ها	وسیله/ مانع	هدف اجرا	موضوع و مصداق	فاعل	مخالف	پایه و معیار	معنا و ماهیت	
وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ										انبیاء ۴۷
	آخرتی، قضاوت	پاداش کار نیک و بد، حساب کردن	ابزار سنجش قرار داده شده خدا	دقت در دادن جزا و پاداش	تعیین اندازه دقیق و دادن پاداش و جزا آخرت	خدا و مأموران	ظلم	معیار دقیق الهی	دادن حق دقیق، معیاری قسط	

ماتدة ۴۲	پونس ۴۷	رحمن ۹	هود ۸۵
دقیق و درست	قضاوت بر پایه وحی	اخلاق معامله دادن کامل حق دیگران	اخلاق، دادن درست حق دیگران
	وحی داده شده به امت	معیار پذیرفته شده	عرف، قرارداد فردی
	ظلم	دستکاری در ترازو	فساد، کم فروشی
	خدا	مردم	قوم شعیب
حکم دادن در حکمیت، اختیاری	قضاوت مردم در آخرت	وزن کردن	وزن و پیمانه کردن درست
حکم دقیق و معیاردار	تعیین حق درست در آخرت	تحقق حق مردم	تحقق حق مردم
	وحی	ترازو و معیار اندازه گیری	پیمانه و ترازو
حکم، دوستی خدا	ظلم	برپاداشتن وزن	وفاداری، کم فروشی، فساد
اخلاقی، حکم دادن بین کافران	قضاوت، آخرتی	اخلاقی، کار درست فردی	اخلاقی، کار درست فردی
	سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلشُّحْتِ فَإِنْ جَاءَكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرَضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرَّكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالتَّقْسِطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَقْسِطِينَ	وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ	... وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ
انوار درست اندازه گیری مال، فروش			

<p>شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ</p>		<p>آل عمران ۱۸</p>	
فسط خدا	بگانگی خدای عزیز و حکیم	عمل خدا، شهادت ملائکه و دانشمندان	خدا
<p>وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكَلِّفْ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ</p>			
پیمانۀ و ترازو کردن، مال	حق افراد، اخلاقی	وفای به عهد با خدا، عدالت، رشد دادن مال یتیم	پیمانۀ و ترازو
		وزن و پیمانۀ کردن درست	
		پیمانۀ، ترازو، عرف	
		درستکاری، اخلاق	معامله، دستور خدا
<p>قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ</p>		<p>اعراف ۲۹</p>	
یک طرفه مانند عبادت	بازگشت به سوی خدا	اخلاص عبادت، بارگشت به سوی خدا	دستور خدا
<p>لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ</p>			
اکتفا به مال خود در برابر مال دیگران و صدقه و...	دنیایی	استواری، نفع مردم، پیامبری بیانات، آهن، پاری خدایا و رسول	
		برپا داشتن فسط	
		مردم دارای کتاب و میزان	
		وحی، میزان (معیار مردم)	
رعایت حقوق دیگران			
<p>حدید ۲۵</p>			

<p>وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاتَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ</p>		<p>حجرات ۹</p>		
دنیایی، حکم دادن	تسلیم امر خدا، عدالت، کشتار	اصلاح مردم	اجرای عدالت به قسط، اصلاح میان مردم	مؤمنان
<p>ادْعُوهُمْ لِآيَاتِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانَكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا</p>		<p>احزاب ۵</p>		
کار درست دنیایی	زود خدا، مواخذه خلاف عدلی	کار درست و برابر واقعیت	نسبت دادن فرزند به پدر واقعی	مسلمانان
واقعییت، معیار طبیعی	درست و برابر واقعیت، معیاردار			
<p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ</p>		<p>مائده ۸</p>		
دنیایی، اخلاقی	تقوا، عدالت، برای خدا، آگاهی خدا از عمل دشمنی دیگران مانع	گواهی دادن، برپاداشتن قسط برای خدا	مؤمنان	عدول از حق
درست و برابر واقعیت، دستور خدا				
<p>إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا أَنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ</p>		<p>یونس ۴</p>		
آخرتی	پاداش ایمان و عمل صالح، مجازات کفر	تعیین و دادن پاداش عمل صالح	خدا	عمل انجام شده
دادن آنچه حق شخص است				

<p>وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسَاسِ أَلْ مُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَلْوِيلًا</p>		<p>اسراء ۳۵</p>
<p>وزن و پیمانه کردن مال در فروش، سود</p>	<p>اخلاقی، کار درست فردی</p>	<p>وفای به تعهد، سود، بهترین نتیجه</p>
<p>وزن و پیمانه کردن مال</p>	<p>اخلاقی، کار درست فردی</p>	<p>ترازو و پیمانه درست</p>
<p>وزن و پیمانه کردن مال</p>	<p>اخلاقی، کار درست فردی</p>	<p>تحقق حق دیگران در معامله</p>
<p>وزن و پیمانه کردن مال</p>	<p>اخلاقی، کار درست فردی</p>	<p>وزن کردن با پیمانه و ترازوی درست</p>
<p>وزن و پیمانه کردن مال</p>	<p>اخلاقی، کار درست فردی</p>	<p>عرف، ترازوی درست</p>
<p>وزن و پیمانه کردن مال</p>	<p>اخلاقی، کار درست فردی</p>	<p>دادن حق دیگران، اخلاق</p>
<p>أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ۱۸۱ وَزِنُوا بِالْقِسَاسِ أَلْ مُسْتَقِيمِ ۱۸۲ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۱۸۳ وَأَتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَأَلْجَبِلَةً الْأَوَّلِينَ ۱۸۴</p>		<p>شعرا ۱۸۱-۱۸۴</p>
<p>وزن و پیمانه کردن مال</p>	<p>اخلاقی، کار درست فردی</p>	<p>وفاداری، تقوای خدای خالق</p>
<p>وزن و پیمانه کردن مال</p>	<p>اخلاقی، کار درست فردی</p>	<p>ترازو و پیمانه درست</p>
<p>وزن و پیمانه کردن مال</p>	<p>اخلاقی، کار درست فردی</p>	<p>دادن حق دیگران در معامله</p>
<p>وزن و پیمانه کردن مال</p>	<p>اخلاقی، کار درست فردی</p>	<p>پیمانه و وزن کردن درست</p>
<p>وزن و پیمانه کردن مال</p>	<p>اخلاقی، کار درست فردی</p>	<p>کم فروشی، فساد</p>
<p>وزن و پیمانه کردن مال</p>	<p>اخلاقی، کار درست فردی</p>	<p>عرف، ترازوی درست</p>
<p>وزن و پیمانه کردن مال</p>	<p>اخلاقی، کار درست فردی</p>	<p>دادن حق دیگران، اخلاق</p>
<p>وَأَنَا مِمَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِمَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ۱۴ وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ۱۵</p>		<p>جن ۱۴ و ۱۵</p>
<p>معیارگذاری برای قسط</p>	<p>معیار خدا،</p>	<p>تسلیم معیار خدا، اخلاق مردم</p>
<p>معیارگذاری برای قسط</p>	<p>معیار خدا،</p>	<p>تسلیم خدا، رشد، هیزم دوزخ</p>

۵. تحلیل مؤلفه‌های معنایی قسط در قرآن

مؤلفه‌های معنایی در ۴ بخش یادشده تحلیل می‌شوند:

الف) معنای قسط در قرآن

درباره معنای قسط در قرآن می‌توان به ۴ دسته زیرمؤلفه معنایی توجه و

آنها را بررسی کرد:

۱) معنای تصریح شده

همان گونه که در معنای اصلی قسط می بینیم، قسط نیز به معنای دادن حق است. معنای اصلی عدالت نیز دادن حق هر کسی به اوست؛ ولی بی شک اگر همان معنای عدالت را می داد، نمی توانست در قرآن در یک جا گفته شود: عدالت کنید و قسط کنید. بر این پایه قسط هر چند به معنای کلی عدالت است، ولی باید تفاوت هایی با عدالت داشته باشد که می توان بخش هایی از آن را با تحلیل مؤلفه های قسط در قرآن شناسایی کرد. در زمینه اقتصادی نیز معنای دادن حق دیگران در قرآن تصریح شده است؛ به ویژه با وزن و پیمانۀ درست و وزن و پیمانۀ کردن درست که بیشترین تعداد آیه های قسط درباره یک موضوع است (آیه های ۸۵ هود، ۹ الرحمن، ۱۵۲ انعام، ۳۵ اسراء، ۱۸۴ شعراء).

۲) ماهیت قسط

اینکه در قرآن به قسط چگونه ماهیتی داده شده است، می تواند به معنای آن کمک کند. در آیه های مختلف قرآن گفته شده است «قسط کنید». این یک دستور دینی مانند زکات، عبادت خدا، جهاد و نیکی کردن است؛ یعنی قسط یک کار برتر و دارای پاداش برای انسان است؛ به ویژه هنگامی که گفته شده است خداوند قسط کنندگان را - مانند نیکوکاران - دوست دارد، برتری این ویژگی روشن تر نشان داده شده است. بر این پایه می توان گفت قسط از نظر ماهیت، نوعی درست کاری است و قسط کننده نسبت به دیگران برتر است. احکام دینی به چند صورت دسته بندی می شوند. انجام ندادن یک دسته مجازات دارد و در برابر این، انجام دادن یک دسته دیگر پاداش و برتری دارد. قسط از این دسته است.

بعد دیگری از ماهیت قسط، کم و زیاد داشتن قسط است که از به کار رفتن اقسط و قسط در قرآن (۵ احزاب و ۲۸۲ بقره) روشن می شود. از این رو قسط می تواند دقیق و دقیق تر یا درست و درست تر داشته باشد.

۳) واژه‌های مخالف قسط

یکی از راه‌هایی که می‌توان با آن به معنای یک واژه در قرآن پی‌برد، استفاده از معنای واژه‌های مخالف آن است. واژه‌هایی که در قرآن به عنوان مخالف قسط مطرح شده، واژه‌های ظلم دنیایی و آخرتی، فساد، کم‌فروشی و دستکاری در ترازوست. به‌آسانی می‌توان دریافت که فساد، دستکاری در ترازو و کم‌فروشی مصداق‌هایی از ظلم (و بی‌اخلاقی) هستند.

۴) معیارهای تعیین و اندازه‌گیری قسط

قرآن در بیشتر آیات، هنگامی که از واژه قسط استفاده می‌شود، از معیار نیز سخن می‌گوید. در آیات (۴۷ انبیا و ۴۷ و ۵۴ یونس) قرارداد معیار برای تعیین پاداش و مجازات آخرتی بیان شده است. در جایی که ربط کمتری دارد، مانند آیه ۵ احزاب نیز نسبت دادن فرزند به پدر واقعی را اقسط خوانده است. روشن است که اینجا نیز معیار واقعی بودن وجود دارد. البته در اینجا قسط می‌تواند معنای درست بودن نیز بدهد. این یک معیار حقیقی و طبیعی است. میزان و مکیال که در تعداد بیشتری از آیات اشاره شده است، معیارهای پذیرفته‌شده اجتماع هستند و کتاب خدا، وحی و قرارداد موازن قسط در آخرت، معیارهای اعلام‌شده الهی، برخی برای دنیا و برخی برای آخرت هستند.

تنها جایی که معیار از پیش تعیین شده جداگانه نام برده نشده است، آیه ۴۲ مائده است که چون حکم دادن درباره کافران است گفته شده است به قسط باشد. اینجا ممکن است علت این باشد که چون کافران هستند، باید حکم معیاردار باشد تا توجیه شوند و بپذیرند. همچنین ممکن است چون پیامبر حکم‌دهنده است، می‌گوید بر پایه معیار مشخص مانند وحی حکم می‌دهد که قسط می‌شود. شاید بتوان از آیات دیگری که در پی دستور عدالت کنید، گفته شده است قسط کنید، این معنا را برداشت کرد که در اجرای عدالت، قسط کنید. در این صورت، قسط شیوه یا ابزاری برای عدالت است

که با توجه به کلیات بحث این مقاله، به نظر می‌رسد قسط شیوه‌ای برای عدالت باشد.

در بیشتر آیه‌های دارای موضوع قسط اقتصادی به صورت روشن سخن از معیار است. درجایی موضوع وزن و پیمانانه کردن است، به ترازو و پیمانانه اشاره شده که یک معیار پذیرفته شده در اجتماع است. در آیه‌های ۱۲۷ و ۳ نساء که از نظر زمان نزول نیز پشت سر هم هستند، با مسلمانان درباره حقوق مکتوب شده دختران یتیمی که به نکاح درآورده‌اند، سخن می‌گوید. اینجا دادن حق معین شده با معیار وحی را قسط می‌داند. آیه ۲۸۲ بقره نیز معیار نوشتن بدهی و توافق مالی را اقسط می‌داند. آیه ۲۵ حدید نیز کتاب و میزان را معیار می‌داند. براین پایه معیاردار بودن قسط در زمینه اقتصادی و غیراقتصادی موضوعیت دارد.

ب) کارکردها و کاربردهای قسط در قرآن

درباره کارکردهای قسط بر پایه آیه‌های قرآن می‌توان گفت برای قسط در قرآن، شش مؤلفه کارکردی قابل تحلیل است: فاعل، موضوع، عمل، وسیله اجرا، هدف و مانع قسط.

۱) فاعل قسط

در بحث فاعل، یک موضوع این است که فاعل قسط چه کسی است و دیگری اینکه چه جایگاهی دارد. در جاهای مختلف قرآن گفته شده است قسط کنید، ولی در برخی جاها به صورت مطلق گفته شده است خدا قسط می‌کند (آل عمران: ۱۸). اینجا قید و شرطی گذاشته نشده است؛ به سخن دیگر خدا خلاف قسط نخواهد داشت. در جای دیگری به پیامبر گفته شده است اگر حکم می‌دهی، به قسط بده؛ همچنین در آیه‌های مختلفی مؤمنان و مسلمانان خطاب قرار گرفته و سفارش و دستور داده شده‌اند که قسط کنند. در آیه ۲۵ حدید آمده است: کتاب و میزان فرستادیم تا مرم قسط را برپا دارند. اینها به آن معناست که خدا غیر قسط ندارد، ولی همه انسان‌ها - از

جمله پیامبران و مؤمنان - ممکن است قسط کنند. درباره جایگاه فاعل در آیه ۲۱ سوره آل عمران سفارش کنندگان به قسط را مقتول قاتلان پیامبران دانسته است؛ به سخن دیگر در این آیه سفارش کنندگان به قسط، همتراز پیامبران شهید دانسته شده‌اند و این نیز نشانه‌ای بر جایگاه ویژه فاعل قسط است؛ همچنین در دو آیه ۸ ممتحنه و ۹ حجرات گفته شده است خدا قسط کنندگان را دوست دارد. از این رو می‌توان فاعل قسط را انسان دارای رفتار برتر مانند نیکوکاران و مجاهدان دانست که قرآن واژه دوست داشتن خدا را درباره آنان نیز به کار برده است. درباره آیه‌های اقتصادی قسط نیز سفارش خدا به مؤمنان، مسلمانان، پیامبران و مردم است و آیه ۲۵ حدید فرستادن کتاب و میزان را ابزار برپاداشتن قسط از سوی مردم بیان می‌کند.

۲) موضوع قسط

در قرآن کارهایی را گفته شده است به قسط انجام دهید که دارای برخی ویژگی‌ها هستند. این کارها چنین‌اند: تعیین اندازه دقیق و دادن پاداش و جزا در قیامت، وفا کردن به وسیله وزن و پیمان‌کردن، برپاداشتن وزن، دستکاری نکردن در ترازو، قضاوت درباره مردم در آخرت، حکم‌دادن در اختلاف کافران، وزن کردن و پیمان‌کردن درست، دستور خدا، دستور مردم درستکار، قضاوت در آخرت، دستور خدا به قسط با غیرمحابب‌ها، برپاداشتن قسط توسط خدا، شهادت‌دادن، اصلاح میان مردم، نسبت‌دادن فرزند به پدر واقعی، برپاداشتن قسط برای خدا، تعیین و دادن جزای عمل صالح به مؤمنان، برپاداشتن قسط، ترس از قسط نداشتن درباره دختران یتیمی که به همسری گرفته‌اید و پسران ناتوان، نوشتن درست قرارداد، وزن کردن با ترازوی درست.

از ۲۳ آیه قسط، در آیه‌های ۴۷ انبیاء، ۴۷ یونس، ۱۸ آل عمران، ۴ و ۵۴ یونس موضوع قسط، دادن پاداش و جزای آخرتی است. ۹ آیه نیز موضوع‌های

مختلف دیگر را مطرح می‌کنند. می‌توان موضوع آیه‌های اقتصادی قسط را به صورت زیر بیان کرد:

- آیه ۲۸۲ بقره نوشتن معامله و توافق مالی را در برابر نوشتن، اقسط می‌داند.

- آیه‌های ۱۵۲ انعام، ۱۲۷ نساء، ۳ نساء، دادن و رعایت کردن حقوق و مال پسران ناتوان، یتیمان و دختران یتیمی که به همسری گرفته شده‌اند و همسران را در چارچوب معیارهای اجتماعی و قرآنی معین قسط بیان می‌کند.

- آیه ۱۳۵ نساء، شهادت دادن به قسط درباره مسائل اقتصادی میان مردم، بیشتر یک چارچوب اخلاقی را مطرح می‌کند و یک کج‌فهمی مهم در زمینه نگاه به ثروت دیگران را نیز عامل دوری از قسط و انتقال ناحق مال در تخلف از شهادت درست می‌داند.

- وزن و پیمان‌کردن درست و با ترازوی درست موضوع پرتکراری است که در آیه‌های ۸۵ هود، ۹ الرحمن، ۱۵۲ انعام، ۳۵ اسراء، ۱۸۴ شعراء در جایگاه قسط آورده شده است.

- هرچند آیه ۲۵ حدید را برخی به‌تنهایی گرفته و برای آن معنای عدالت اجتماعی قایل شده‌اند، ولی با توجه به آیه‌های پیش از این آیه که موضوع آنها اکتفا به مال خود و رعایت حق مالی و اقتصادی دیگران، صدقه‌دادن و مانند اینهاست، می‌توان معنای آن را در چارچوب کلی رعایت حق دیگران با معیار کتاب و میزان در یک چارچوب شخصی دانست.

بر این پایه قسط دامنه وسیعی از کارها را در بر می‌گیرد و این مغایر با برداشتی است که قسط را عدالت اقتصادی می‌داند؛ به‌ویژه اینکه هنگامی که قضاوت و دادن پاداش و مجازات در آخرت است، نمی‌تواند به معنای عرفی اقتصادی باشد، هرچند چون رفتارهای اقتصادی اندازه و معیاردار است و

قسط نیز معیاردار است، این دو همبستگی نزدیکی دارند؛ البته بحث اینکه عدالت اقتصادی نیز مفهوم گسترده‌تری دارد، نیاز به بررسی بیشتر دارد. هرچند اینها دامنه‌ای از کارهای متفاوت است، همه اینها موضوع کار یک فرد یا گروه با دیگران است. از این کاربردها نمی‌توان برداشت قسط به معنای عدالت اجتماعی را پذیرفت؛ زیرا بیشتر اینها رفتارهای فرد به فرد و برخی نیز فرد به گروه یا گروه به گروه و یک‌طرفه درباره دیگران است و عدالت اجتماعی به معنای امروزین در جایگاه کل جامعه و حکومتی است؛ به‌ویژه اینکه در قرآن هیچ جایی درباره قسط و همچنین عدالت، سخنی از حکومت آورده نشده است. باید موضوع عدالت اجتماعی را در جایگاه و با روش دیگری جست‌وجو کرد.

۳) عمل قسط، قضاوت و عمل یک‌طرفه

یک ویژگی مشترک دیگر آیات قسط این است که فاعل قسط اختیار کامل دارد و کسی که درباره آن قسط اعمال می‌شود یا درباره او عملی انجام می‌شود، در تصمیم و اجرا دخالت ندارد، یا اینکه توان، آگاهی لازم یا امکان آن را ندارد، مانند قضاوت در آخرت درباره کارهای انسان‌ها که یک‌طرفه است، وزن کردن مال دیگران با پیمانۀ یا سنگ و ترازوی فروشنده که خریدار از درستی آنها آگاه نیست، دختران یتیم که به همسری گرفته می‌شوند، نه پدری دارند که از آنها دفاع کند و نه در سنّ و سالی هستند که بتوانند یا بدانند چگونه از خود دفاع کنند؛ تنها تسلیم همسر هستند. در آیه ۴۲ مائده که اندکی متفاوت است نیز با دقت می‌توان این برداشت را داشت که این هم یک‌طرفه است؛ یعنی پیامبر اختیار دارد حکم بدهد یا ندهد. نکته دیگر اینکه در آیه ۲۹ اعراف در پی دستور به قسط کردن می‌فرماید روی خود را نزد هر مسجدی متوجه [خدا] کنید و او را با اخلاص در دین بخوانید. از این آیه می‌توان این برداشت را کرد که قسط نیز می‌تواند مانند عبادت باشد و یک جریان یک‌طرفه فرد برای خداست. این ویژگی در موضوع‌های

اقتصادی قسط در قرآن به روشنی دیده می شود.

۴) وسیله اجرای قسط

وسایله‌های بیان شده برای اجرای قسط در قرآن، پیمانانه و ترازو (معیارهای تعیین شده مردم) (هود: ۸۵ / رحمن: ۹ / انعام: ۱۵۲ / اسرا: ۳۵ / شعرا: ۱۸۲)، موازین، کتاب و وحی خدا (حدید: ۲۵ / انبیا: ۴۷ / یونس: ۴، ۴۷ و ۵۴)، میزان (حدید: ۲۵) و نوشتن (بقره: ۲۸۲) هستند. دقت در اینها می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که همه اینها معیاردار هستند و بر پایه معیارهای مشخص، اندازه‌ای را تعیین می‌کنند. این وسیله‌ها نشان‌دهنده آن است که می‌توان قسط را دادن حق دیگران بر پایه معیارهای پذیرفته شده دانست. درباره موضوع‌های اقتصادی نیز معیارهای مطرح شده وحی، پیمانانه، ترازو، میزان و نوشتن است.

۵) هدف قسط

می‌توان از آیه‌های قسط به هدف‌های آن پی برد و از آنها به جنبه‌های دیگری از معنای قسط دست یافت. هدف‌های بیان شده در قرآن به نوعی تحقق همان موضوع و عمل قسط، ولی در دسته‌بندی بهتر با شکلی برای تحقق یک هدف‌اند که می‌توان آنها را در شش دسته خلاصه کرد: تحقق حق با قضاوت درست و تعیین اندازه پاداش و مجازات در زندگی پس از مرگ (انبیا: ۴۷ / یونس: ۴، ۴۷ و ۵۴)، تحقق حق با قضاوت درست و معیاردار و دادن حکم دقیق و معیاردار پیامبر (مائده: ۴۲)، دادن حق دیگران با وفای به معیارهای سنجش در معامله (هود: ۸۵ / الرحمن: ۹ / انعام: ۱۵۲ / اسراء: ۳۵ / شعرا: ۱۸۲)، تحقق حق در اصلاح درست میان مردم (حجرات: ۹ / مائده: ۴۲)، تحقق حق با انجام درست‌تر کار (احزاب: ۵ / بقره: ۲۸۲) و دادن حقوق ناتوان‌ها (نساء: ۳ و ۱۲۷). بر این پایه می‌توان گفت رعایت و دادن حقوق دیگران بر پایه معیارهای پذیرفته شده، یک هدف کلی است که در همه آیه‌های قسط مشترک است.

۶) مانع قسط

در قرآن چند مانع برای عمل به قسط بیان شده است: اولویت بودن منافع خود و نزدیکان، پیروی کردن از هوای نفس (نساء: ۱۲۵)، دشمنی دیگران (مائده: ۸) و ناآگاهی و کج فهمی (نساء: ۱۲۵). همه مانع‌های اعلام شده قسط در قرآن به شخص فاعل باز می‌گردد. شاید بر این پایه باشد که هدف قرآن ساختن انسان است. این مانع‌های اعلام شده نشانه آن است که قسط کردن نیازمند یک انسانیت، تعهد و اخلاق‌مداری است. البته ممکن است مانع‌های دیگری نیز وجود داشته باشد، ولی پیروی از هوای نفس می‌تواند همه مانع‌های در حوزه اراده و اختیار انسان را در بر بگیرد.

یک نکته مهم در این چارچوب آن است که کج فهمی می‌تواند مانع اجرای قسط شود. در آیه ۱۲۵ نساء پس از سفارش به قسط آمده است که ثروت توانگر و دلسوزی در حق فقیر و ادارتان نسازد بر خلاف قسط شهادت دهید، چون خدا از تو به آن دو مهربان‌تر است؛ یعنی اگر خدا می‌خواست، می‌توانست ثروت‌ها را جابه‌جا کند. شما وظیفه اجرای قسط دارید، نه جابه‌جایی ثروت افراد. این نکته‌ای است که از ناآگاهی رخ می‌دهد و شاید از همین روست که در آیه ۱۸ آل عمران دانشمندان را شاهد برپاداشتن قسط خدا می‌خواند. نکته دیگر اینکه در آیه ۱۲۵ نساء در پی مطلب یادشده می‌فرماید از هوای نفس پیروی نکنید؛ یعنی این کج فهمی و عمل بر پایه آن، پیروی از هوای نفس یا مشابه آن دانسته شده است. پس می‌توان دست کم این را برداشت کرد که بر پایه قرآن پیروی از هوای نفس و نداشتن علم می‌تواند مانع قسط قرآنی شود.

ج) دسته‌بندی دیگر هم‌نشین‌های قسط

در قرآن واژه‌های هم‌نشین گوناگون دیگری برای قسط دیده می‌شود. اینها را می‌توان به شیوه‌های مختلف دسته‌بندی کرد. در اینجا نخست واژه‌های هم‌نشین قسط را در سه دسته خنثا، مثبت و منفی جدا و به برخی

برداشت‌های معنایی آنها اشاره می‌کنیم؛ سپس نگاهی به هم‌نشین‌های اقتصادی و غیراقتصادی در این سه دسته می‌کنیم.

۱) هم‌نشین‌های خنثا

برخی هم‌نشین‌های قسط، خوبی قسط یا بدی رفتار مغایر آن را بیان نمی‌کنند، مانند روز قیامت، پیمان‌ه، ترازو، برپاداشتن وزن، قضاوت، حکم، شهادت‌دادن، مال یتیم، میزان، ابزار آهنی، رفتار با همسران، دختران یتیم، پسران ناتوان، نوشتن قرارداد، تاریخ معین، معامله، استواری، حساب کردن و آغاز و بازگشت به سوی خدا. اینها بیشتر فضای محیطی، ابزار یا موضوع‌هایی را نشان می‌دهند که قسط می‌تواند در آن انجام شود.

۲) هم‌نشین‌های مثبت

برخی واژه‌هایی که در قرآن همراه قسط به کار رفته‌اند، به گونه‌ای جنبه‌های مثبت قسط را بیان می‌کنند. از این واژه‌ها می‌توان معیار خدا، تسلیم خدا، وفاداری، دوستی خدا، کار خدا، تأیید ملائکه و دانشمندان، وفای به عهد با خدا، عدالت، رشد دادن، سفارش و دستور خدا، روی کردن به خدا، عبادت، اخلاص، منافع مردم، یاری خدا و رسول، رفتار نیک، مؤمن، تقوا، برای خدا، پاداش، ایمان، عمل صالح، کار نیک، سود رساندن، وفای به قرارداد و بهترین نتیجه که از اینها می‌توان نتیجه گرفت قسط آثار مثبتی مانند گسترش نیکوکاری و ایجاد منافع برای مردم دارد. همچنین عمل به قسط سفارش و دستور خدا و در همه زمینه‌ها، حتی در رفتار با غیرمسلمان‌ها، رضایت خدا را در بر دارد.

۳) هم‌نشین‌های منفی

واژه‌های منفی همراه با قسط نیز مانند معیارگذاری شخصی، کم‌فروشی، فساد، ظلم، کاستن از حق مردم، کافر، قاتل پیامبران، قاتل غیرحق آمران قسط، عذاب قیامت، ستمکار، پشیمانی، پیروی از هوای نفس، منافع شخصی و نزدیکان مانع قسط، کشتار متقابل، اگر عمداً خلاف این را انجام دهید

مؤاخذه می شوید، دشمنی، مجازات مشخص برای کفر و تجاوز نیز می تواند مخالفان قسط را مشخص کند و نشان دهد تخلف از قسط ناخشنودی خدا و مردم و نیز مجازات آخرتی را در پی خواهد داشت. نکته مهم اینکه اجرای قسط، بدکاران را پشیمان خواهد کرد. اینها نشانه آن است که در قرآن قسط یک کار پسندیده و مخالف کارهای ناپسند دانسته شده است.

۴) هم‌نشین‌های اقتصادی

می‌توان سه دسته هم‌نشین اقتصادی قسط را در قرآن از هم جدا کرد: هم‌نشین‌های خنثا مانند پیمان، ترازو، برپاداشتن وزن، مال یتیم، معامله و قرارداد، هم‌نشین‌های مثبت مانند دادن حقوق اقتصادی دختران یتیمی که به همسری گرفته‌اید، منافع مردم، سود رساندن و وفای به قرارداد و هم‌نشین‌های منفی مانند کم‌فروشی، فساد، ظلم، کاستن از حق مردم و اولویت دادن منافع ناحق شخصی و نزدیکان است. دیگر هم‌نشین‌ها، غیراقتصادی یا مشترک‌اند. می‌توان از جمله رفتارهای غیراقتصادی موضوع قسط در قرآن را تعیین اندازه و دادن پاداش و جزا در آخرت، مجازات مشخص برای کافر، تجاوز از حدود و مانند اینها دانست. بر این پایه می‌توان گفت آیه‌های ۱۸۲ شعراء، ۳۵ اسراء، ۸۵ هود، ۱۵۲ انعام و ۲۸۲ بقره به صورت روشن موضوع قسط اقتصادی را مطرح می‌کنند و آیه‌های ۱۲۷ و ۳ نسا نیز به صورت بخشی به اقتصاد پیوند پیدا می‌کنند. برخی آیه‌های دیگر را نیز می‌شود به گونه‌ای به اقتصاد پیوند دارد، ولی بیشتر آیه‌های دیگر قرآن که به قسط اشاره کرده‌اند، غیراقتصادی‌اند.

د) نکته‌های ویژه معنایی دیگر

درباره قسط و نکته‌های ویژه آن در قرآن می‌توان سخنان بسیار گفت. در اینجا به چند نکته دیگر قابل برداشت از آیه‌های قرآن که با ساختار بحث بالا متفاوت است، اشاره می‌شود.

الف) با توجه به اینکه در آیه ۴۷ انبیاء آمده است موازین قسط در آخرت

از سوی خدا قراردادده می‌شود و همچنین آیه ۵۴ یونس که مبنای قضاوت در آخرت وحی ازسوی خداست و همچنین معیارهای خدا موجب جلوگیری از ظلم در آخرت می‌شود، می‌توان گفت یک بخش اساسی قسط، آخرتی است. افزون بر این قسط آخرتی نیز مبتنی بر معیارهای ازپیش تعیین شده است؛ یعنی خدا برای قضاوت به قسط از پیش معیارهای پاداش و جزا را تعیین و اعلام و بر پایه آن پاداش و جزا را تعیین و اجرا می‌کند. از این رو و با آیه ۲۵ حدید می‌توان گفت اگر معیارهای همه‌پذیر (میزان) یا معیارهای الهی (کتاب خدا) قرار داده شود و عمل بر پایه آنها انجام شود، قسط اجرا شده و ظلمی رخ نخواهد داد.

ب) نکته مهم دیگر اینکه خدا در آیه ۱۵۲ انعام پس از سفارش به اجرای قسط در وزن کردن، می‌فرماید در اجرای قسط، اندازه توان افراد را در نظر می‌گیرد. این آیه معنا را می‌رساند که معیارهای قسط باید به گونه‌ای باشد که در توان انجام افراد باشد؛ همچنین چون هر انسانی توانایی‌های ویژه خود را دارد، می‌توان این گونه برداشت کرد که معیارها برای هر کسی به تناسب توان او باشد و به تناسب آن پاداش و جزا تعیین شود.

ج) در آیه ۱۴ سوره جن می‌فرماید گروهی از ما تسلیم خدا هستند، گروهی قاسط‌اند. چون موضوع قسط است، شاید در این آیه این برداشت درست‌تر باشد که گروهی تسلیم معیارهای تعیین شده از سوی خدا و جامعه (وحی و ترازو پیمانانه) هستند و گروهی از خود معیار می‌گذارند و به آن را عمل می‌کنند. به تعبیری معیارهای خدایی و همگانی قسط را زیر پا می‌گذارند و معیارهای خود را به جای معیارهای قسط اجرا می‌کنند. اینها مستحق مجازات‌اند.

۴. قرآن در آیه ۱۵۲ انعام می‌فرماید: «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ»، ولی در آیه ۳۵ اسراء می‌فرماید: «أَوْفُوا أَلَكَيْلَ إِذَا كَلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ» و آیه ۱۸۲ شعراء نیز مشابه این آیه است. از موضوع و محتوای

این آیه‌ها می‌توان گفت «إِذَا كَلُّتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ أَلْمُسْتَقِيمِ» معادل «بِالْقِسْطِ» است. صرف نظر از اینکه قسطاس از ریشه قسط گرفته شده است یا ریشه مستقلی دارد، می‌دانیم قسطاس معنای ترازو می‌دهد. از شباهت این دو آیه می‌توان برداشت کرد: هنگامی که کالایی را وزن می‌کنیم وزن کردن با ترازوی درست، معنای قسط می‌دهد و نمونه‌ای عملیاتی از مفهوم قسط است. اینجا معیار پذیرفته‌شده مردم یعنی ترازو و پیمان‌ه و مانند آن، معیار قسط است. نکته مهم اینکه این نمونه‌ای از اخلاق درست بازرگانی است و در راستای هدف فرستادن پیامبران و دین یعنی اخلاق است.

۶. علت‌های اشتباه در برداشت از قرآن

متخصصان در زبان تخصصی قرآن، علت‌های اصلی اشتباه در برداشت معنایی از واژگان قرآن را در شش دسته بیان کرده‌اند: بدفهمی ناشی از تطورپذیری؛ بدفهمی ناشی از خودکارشدگی؛ بدفهمی ناشی از پیچیدگی؛ بدفهمی ناشی از اشتراک؛ بدفهمی ناشی از تفاوت‌های گفتمانی و بدفهمی ناشی از ترجمه محوری (شجاعی و اخوان طبعی، ۱۴۰۰، ص ۲۵-۴۶). شاید بتوان گفت بسیاری از برداشت‌ها از نوع اینها بوده‌اند. به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

الف) برای نمونه بر پایه تحلیل مؤلفه‌های معنایی قسط در قرآن می‌توان گفت هیچ جایی در قرآن هنگام سخن گفتن از قسط، واژه‌هایی که نشانه حکومت و مانند آن باشد، نیامده است. فاعل قسط خدا، پیامبران، مؤمنان، مسلمانان و مردم هستند. حتی جایی که سخن از قوم است، می‌گوید گروهی از ما مسلم و گروهی قاسط‌اند؛ یعنی اینجا نیز به برخی افراد باز می‌گردد. با این کاربردها نمی‌توان این برداشت را پذیرفت که قسط به معنای عدالت اجتماعی امروزی است؛ زیرا بیشتر اینها رفتارهای فردی است و عدالت اجتماعی به معنای امروزی در جایگاه کل جامعه و حکومتی است و به‌ویژه

اینکه در قرآن هیچ جایی درباره قسط و همچنین عدالت، سخنی از حکومت آورده نشده است. بر این پایه عدالت اجتماعی به معنای امروزی در واژه قسط دیده نمی‌شود. برخی که قسط را عدالت اجتماعی تعبیر کرده‌اند، ممکن است دچار خودکارشدگی شده باشند و برداشت آنها بیشتر تحت تأثیر باورهای غیرقرآنی و غیرمستند به قرآن باشد. البته این برداشت نادرست و نسبت دادن آن به قسط، موجب کم‌ارزشی عدالت اجتماعی نیست. بلکه ارزش عدالت اجتماعی از مسیر دیگری تعیین می‌شود و نیازی به تحریف معنا و مفهوم قسط قرآنی نیست.

ب) با توجه به موضوع‌های قسط در قرآن، قسط دامنه وسیعی از کارهای انسان‌ها را در بر می‌گیرد و این مغایر با برداشتی است که قسط را عدالت اقتصادی می‌داند. این برداشت می‌تواند ناشی از پیچیدگی مفهومی قسط باشد.

ج) با توجه به اینکه در قرآن قسط موضوع‌های گسترده‌ای را در بر گرفته است، مانند دنیایی، آخرتی، پاداش، مجازات، قضاوت و مانند اینها، نمی‌توان این برداشت را پذیرفت که قسط تنها در مواردی به کار می‌رود که گروهی در چیزی شریک باشند یا تنها شامل نصیب و پاداش می‌شود و مجازات را در بر نمی‌گیرد. شاید بتوان گفت این برداشت‌ها ممکن است تنها از برخی آیه‌ها به دست آید و با بررسی همه آیه‌های قسط و دیگر آیه‌های قرآن به آسانی متوجه می‌شویم که معنای قسط این گونه محدود نیست.

د) به نظر می‌رسد چون دامنه مفهومی قسط گسترده است، برداشتی که می‌پندارد قسط درباره عدالت ظاهری و تقسیم عادلانه است، چندان درست نباشد؛ زیرا درباره قسط، بیشتر آیه‌های قرآن موضوع را تعیین اندازه و عمل یک‌طرفه مانند دادن پاداش آخرتی، مجازات آخرتی، شهادت درباره یک موضوع و قضاوت دانسته‌اند که تقسیم چیزی در کار نیست. هرچند درباره کاربردهای دیگر قسط در قرآن نیز می‌تواند موضوع تقسیم در کار نباشد.

۷. جمع‌بندی

دریافتیم معنای اصلی واژه قسط نزد واژه‌شناسان، عدالت یعنی دادن و رعایت حق دیگران است، ولی با توجه به اینکه کاربرد آن در قرآن متفاوت از معنای کلی عدالت است، می‌توان گفت این واژه با مفهوم کلی عدالت تفاوت‌هایی نیز دارد. بر پایه تحلیل مؤلفه‌های معناشناختی و کارکردی، می‌توان قسط در قرآن را چنین تعریف کرد:

قسط از نظر مفهوم به معنای رعایت و دادن حق دیگران بر پایه معیارهای پذیرفته شده است که یک کار پسندیده و درست است و کم و زیاد دارد. از نظر کارکردی قسط یک صفت برای عمل شخص (خدا و انسان) است که در موضوع‌های مختلف با هدف رعایت و دادن حق دیگران با ابزارهای درست و معتبر انجام می‌شود.

بر پایه همنشین‌های قسط می‌توان گفت قسط یک کار پسندیده مانند نیکوکاری، جهاد و دادن زکات، مشمول پاداش و در برابر کارهای ناپسند، مانند ظلم، فساد و تجاوز است.

از ۲۲ آیه قسط (غیر از ۲ آیه قاسطون) می‌توان ده آیه را اقتصادی یا مشترک دانست (مانند شعرا: ۱۸۲ / اسراء: ۳۵ / هود: ۸۵ / انعام: ۱۵۲ / بقره: ۲۸۲ / نساء: ۱۲۷ و ۳). پنج آیه به موضوع قسط در تعیین و دادن پاداش و جزای آخرتی پرداخته‌اند (انبیاء: ۴۷ / یونس: ۴۷ / آل عمران: ۱۸ / یونس: ۵۴ و ۴) و هفت آیه دیگر موضوع‌های مختلف دیگر را مطرح می‌کنند. می‌توان آیه‌های اقتصادی را به پنج دسته جدا کرد:

۱. نوشتن معامله و توافق مالی مبنای قسط.
۲. دادن و رعایت کردن حقوق و مال پسران ناتوان، یتیمان، دختران یتیمی که به همسری گرفته شده‌اند و همسران.
۳. شهادت‌دادن به قسط درباره مسائل اقتصادی میان مردم، کج‌فهمی در زمینه نگاه به ثروت دیگران در شهادت‌دادن عامل دوری از قسط و

ناحق و منافع شخصی می‌تواند مانع قسط شود.

۴. وزن و پیمانانه کردن درست و با ترازوی و پیمانانه.

۵. اکتفا به مال خود و رعایت حق مالی و اقتصادی دیگران.

در توضیح تکمیلی جمع‌بندی گفتنی است:

قسط، عدالت است. هرچند پایه آن حق است، ولی با توجه به کاربردهای آن در قرآن می‌توان گفت قسط عدالت‌دارای معیارهای ازپیش‌تعیین‌شده و پذیرفته‌شده است. معیارهای قسط نزد قرآن دو دسته‌اند: معیارهای تعیین‌شده از سوی خدا و معیارهای اجتماعی که مردم پذیرفته‌اند. البته همراه آن توافق‌های افراد نیز در رفتارها، معاملات و وصیت، معیار دانسته می‌شوند. بر این پایه شاید بتوان مفهوم عام و خاص بودن عدالت و قسط را پذیرفت که برخی به آن اشاره کرده‌اند. شاید بتوان گفت عدالت مفهومی و قسط عملیاتی است.

قسط، تنها اقتصادی نیست؛ قسط هم در زمینه معاملات، وزن و پیمانانه کردن و دیگر رفتارهای اقتصادی و هم موضوع قضاوت درباره دیگران است و مهم‌تر اینکه درباره تعیین و دادن پاداش و مجازات آخرتی به کار رفته است. پس قسط موضوع‌های اقتصادی و غیراقتصادی را در بر می‌گیرد.

کاربرد قسط تنها مفهوم دنیایی را در بر نمی‌گیرد؛ عمل به قسط هم در این دنیا معنا دارد و هم برای تعیین پاداش و مجازات آخرتی انجام می‌شود. پس محدود دانستن قسط به موضوع خاص چندان پذیرفتنی نیست.

عمل به قسط یک رفتار ارادی است و انسان‌ها به تناسب شرایط، ممکن است آن را انجام دهند یا ندهند. دانش و آگاهی، درست‌کاری و تقوا، پیروی نکردن از هوای نفس و مانند اینها لازمه انجام عمل به قسط است. از این روست که قسط‌کننده مورد محبت و دوستی خدا قرار می‌گیرد.

بر پایه آنچه در قرآن آمده است، قسط یک کار برجسته اخلاقی شخصی است که افراد برای رضای خدا انجام می‌دهند. در بیشتر کاربردهای واژه

قسط در قرآن، عمل کننده خود از اینکه قسط انجام می دهد، آگاه می شود و اگر خلاف قسط عمل کند، ممکن است هرگز فرد یا افرادی که درباره آنها قسط به کار نرفته است، متوجه نشوند؛ همچنین جایی انجام می شود که عمل کننده خودش درباره دیگران قدرت قضاوت و عمل دارد، بی آنکه کسی جلودارش شود. منافع شخصی می تواند مانع آن شود و گذشت از منافع، خواسته ها و تمایلات شخصی برای احقاق حق دیگران، شرط است. از این روست که خدا برای قسط پاداش قایل است و مقسطین را دوست دارد. پس عمل به قسط یک کار با جنبه محوری اخلاقی و قسط یک ملکه شخصی است.

منابع

* قرآن کریم.

تفسیر و ترجمه های المیزان، فرقان، طبری، الهی قمشه ای، آیتی، پاینده، ابراهیمی، انصاری و ارفع.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. ج ۳، بیروت: دار صادر.

اخوان طبری، محمدحسین، و داوری، روح الله (۱۳۹۷). صورت بندی مفهوم عدالت در قرآن کریم بر مبنای معناشناسی واژه قسط. *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، ۱۳، ۱۰۷-۱۲۸.

اخوان طبری، محمدحسین، و میرحسینی، یحیی (۱۳۹۵). ریشه شناسی تاریخی واژگان و اثر آن بر فهم مفردات قرآن کریم: مطالعه موردی ریشه قسط. *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، ۸، ۱۱۳-۱۳۲.

اخلاقی، رحمت الله (۱۴۰۰). عدالت اجتماعی از منظر روایات. *معارف اسلامی و اقتصاد*، ۱۳، ۸۷-۱۰۷.

اسکی، محمدشفیق، ولدبیگی، جهانگیر، و سالاریان، شاهرخ (۱۳۹۹). تحلیل حق، عدالت و مسئولیت اجتماعی در آموزه های قرآنی. *مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام*، ۵ (۳)، ۶۹-۸۴.

الهی زاده، محمد حسین، امامی، سید مجتبی، و ترابزاده جهرمی، محمدصادق (۱۳۹۹). جامعه پردازی مبتنی بر قسط و عدل؛ برداشتی از المیزان. *پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم*، ۱۱ (۲)، ۸۱-۱۱۴.

امین مقدسی، ابوالحسن، و افضحی، نفیسه (۱۴۰۲). واکاوی معناشناختی مفهوم عدالت اجتماعی در قرآن کریم با تکیه بر مبحث هم نشین های معنایی. *ادب عربی*، ۱۵ (۱) (پیاپی ۳۵)، ۴۳-۶۰.

قسط در قرآن و ابعاد اقتصادی آن

- بادب برزگر، اعظم، و کاظمی تبار، محمدعلی (۱۴۰۰). معاشناسی عدل در قرآن کریم. همایش تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن و حدیث، ۱، ۱۸۷-۲۰۲.
- بستانی، فواد افرام (۱۳۷۴). *منجد الطلاب*. ترجمه بندرریگی، محمد، تهران: اسلامی.
- بهرامی، معصومه (۱۳۹۵). معاشناسی واژه عدالت. *پژوهشنامه نوین فقهی حقوقی زنان و خانواده*، ۳، ۱۲۳-۱۵۰.
- پورمولا، سیدمحمدهاشم، غلامی، مرجان، و بنزاده، راضیه (۱۳۹۴). معاشناسی واژه عدل در قرآن کریم بر مبنای روش ایزوتسو. *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، ۴۸ (۱)، ۱-۲۳.
- حسینی، سیدرضا (۱۳۹۰). مفهوم و ماهیت عدالت اجتماعی با رویکرد اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۱ (۴۴)، ۵-۳۰.
- خسروپناه، عبدالحسین، پورعزت، علی اصغر، و محمدنژادچاوشی، حبیب (۱۳۹۳). وسعت معنایی عدالت در قرآن. *مطالعات تفسیری*، ۵ (۱۷)، ۴۹-۷۴.
- خاندوزی، احسان، مصطفوی ثانی، علی، و سرآبادانی، حسین (۱۳۹۹). طراحی و برآورد شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی در ایران. *مجلس و راهبرد*، ۱۰۲، ۵-۴۱.
- خوش‌فر، محسن، و رحمانی، راحله (۱۴۰۰). الگوی عدل الهی با تکیه بر تفاسیر المیزان و اطیب البیان، *تحقیقات کلامی*، ۳۳، ۴۱-۵۷.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۲). *المفردات فی غریب القرآن*. تهران: مرتضوی.
- سیدخراسانی، راضیه‌سادات، و فتحی، علی (۱۳۹۸). تحلیل رابطه حق در قرآن مجید بر پایه معاشناسی حق و با تأکید بر معاشناسی ساختگرا. *پژوهش دینی*، ۳۹، ۱۱۳-۱۳۵.
- سیدنورانی، سیدمحمدرضا، و خاندوزی، احسان (۱۳۹۵). معرفی و محاسبه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی از منظر اسلامی در ایران. *مجلس و راهبرد*، ۸۵، ۵۷-۸۴.
- شاکری، عباس، مؤمنی، فرشاد، خادم‌علیزاده، امیر، و مخزن‌موسوی، سیدهادی (۱۳۹۸). درآمدی بر شاخص ترکیبی عدالت، اقتصادی با رویکردی اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۹ (۷۴)، ۵-۳۳.
- شجاعی، حسین، و اخوان‌طبسی، محمدحسین (۱۴۰۰). چالش‌های واکاوی اصطلاحات تخصصی علوم انسانی در قرآن. *پژوهش‌های قرآنی*، ۲۶ (۳) (پیاپی ۱۰۰)، ۲۵-۴۶.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۹). *درآمدی بر معاشناسی*. تهران: سوره.
- عربشاهی کریزی، احمد (۱۳۹۵). بررسی عدالت در قرآن کریم در سه محور. *فصلنامه مطالعات قرآنی*، ۷ (۸۲)، ۱۰۹-۱۳۲.
- عزتی، مرتضی (۱۳۹۳). تدوین شاخص ترکیبی عدالت بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سنجش آن طی یک دوره هشت‌ساله. *راهبرد اقتصادی*، ۳ (۱۰)، ۲۰۵-۲۴۱.
- عزتی، محمدجواد، عزتی، مرتضی، و مزینی، امیرحسین (۱۴۰۰). تحلیل مؤلفه‌های عدالت اقتصادی ایران. *سیاست‌های راهبردی وکلان*، ۹ (۳)، ۶۱۰-۶۳۱.
- فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۸۴). توسعه پایدار بر محور عدالت. *اقتصاد اسلامی*، ۵ (۱۹)، ۹۱-۱۲۲.

- فخرزراع، سیدحسین (۱۳۹۸). عدالت اجتماعی در قرآن. *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۷ (۲) (پیاپی ۲۶)، ۷-۲۸.
- فرجی آرپناهی، زهرا، ابراهیمی فر، جلال، عبدلهی آرپناهی، معصومه، ابراهیمی فر، عیسی، و عبدلهی آرپناهی، زینب (۱۳۹۹). تحقق رویکرد عدالت اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم و روایات. *علوم اسلامی انسانی*، ۶ (۲۲)، ۱۹-۲۶.
- فلاح، ابراهیم (۱۴۰۱). واکاوی مؤلفه‌های معنایی علم بر پایه روابط همنشین در نهج‌ابلاغه. *پژوهشنامه علوی*، ۱۳ (۱)، ۲۶۷-۲۸۹.
- قادری، حاتم (۱۳۷۶). قسط، عدل و حکومت. *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و احیای تفکر دینی*، ج ۱، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- قاسم‌پور راوندی، محسن، مهدوی‌راد، محمدعلی، و محمودپورقمصر، شیما (۱۴۰۱). بررسی آرای مفسران درباره مفهوم و گستره عدالت اجتماعی با تأکید بر آیه ۲۵ سوره حدید. *پژوهشنامه معارف قرآنی*، ۴۸، ۳-۲۹.
- قرشی‌بنایی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. ج ۶، چ ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گلدانی، زهرا، و ناصح، علی‌احمد (۱۴۰۱). مؤلفه‌های معنایی واژه سعی در قرآن کریم. *کتاب قیم*، ۲۷، ۴۷-۶۶.
- معین، محمد (۱۳۸۸). *فرهنگ فارسی معین*. ۶جلدی، تهران: امیرکبیر.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *پیام قرآن*. ج ۱۰، چ ۹، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). *لغات در تفسیر نمونه*. قم: انتشارات امام‌علی بن ابی‌طالب (ع).
- نظری، حسن‌آقا (۱۳۸۳). عدالت اقتصادی از نظر افلاطون، ارسطو و اسلام. *اقتصاد اسلامی*، ۴ (۱۴)، ۶۵-۸۱.
- هاشمی‌تنکابنی، سیدموسی (۱۳۹۸). مرور تاریخی نظریه‌های مختلف درباره عدالت و پیجوبی شواهد قرآنی مؤید هر نظریه. *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، ۶۶، ۲۱۵-۲۴۰.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۴). عدالت اقتصادی. *اقتصاد اسلامی*، ۵ (۱۷)، ۹۵-۱۱۲.
- یوسفی شیخرباط، محمدرضا، و زندیه، مهناز (۱۳۹۵). بررسی عملکرد اقتصاد ایران از دید عدالت (با پافشاری بر رویکرد امام‌علی ع در عهدنامه مالک اشتر). *اقتصاد اسلامی*، ۱۶ (۶۳)، ۲۹-۶۷.

لغت‌نامه دهخدا، در: <https://icps.ut.ac.ir/fa/dictionary>